



A Study of Duress to Adultery in the Criminal Law of Iran, Egypt and England

Amir Bagherzadegan,¹ Hassan Fazli,² Siroos Dalvand³

Faculty member of Law, Faculty of Law and Social Sciences of Payame Noor University, Iran, Tehran
Master of International Relations from Faculty of Law and Political Sciences, Islamic Azad University, South Tehran
Branch, Iran, Tehran
PhD Student of Criminal Law and Criminology, Aras International Campus of Tehran University, Iran, Jolfa

Abstract

From the point of view of the Islamic Penal Code, the existence of duress in the crime of adultery causes the punishment to be aggravated and *Had* of death penalty for the duresser (adulterer) is established. Duress to adultery is possible both for a woman and, according to a more correct opinion, for a man. However, the third duresser cannot be sentenced to the punishment of adultery, and there is also disagreement in punishing him as an accessory in adultery. In English criminal law, the legislator in the Sexual Offences Act 2003 has accepted the criminal title of "rape" only against someone who has not consented to sexual intercourse at all. In Egyptian law, rape also has been subject to punishments such as imprisonment with hard labor and even life imprisonment and execution, under the amendments of the Penal Code in 1999 and 2014. The use of violence, unconsciousness or deception of the victim are among the presumptions in which the lack of consent of the victim is presumed. In general, by examining the legal system of the three countries, it seems that, despite the criminalization of rape in all three countries, the approach of the Iranian legislator to the duresser and raper, which is derived from Islamic jurisprudence, is more decisive and subject to the harder sanction.

Keywords: duresser, duress, adultery, rape, duressee.

Received: 27/07/2024

Accepted: 23/08/2024;

How To Cite: Amir Bagherzadegan, Hassan Fazli, Siroos Dalvand, (2024). A Study of Duress to Adultery in the Criminal Law of Iran, Egypt and England, *Criminal law doctrines of Islamic countries*, 1 (3), 1-22.
[doi.org/ 10.22091/dcllic.2024.11089.1019](https://doi.org/10.22091/dcllic.2024.11089.1019)

Published by: University of Qom

© **The Author(s)**

Article type: Research



آموزه‌های حقوق کیفری کشورهای اسلامی

<https://diplic.qom.ac.ir>

مطالعه اکراه به زنا در حقوق کیفری ایران، مصر و انگلستان

امیر باقر زادگان^۱، حسن فضلی^۲، سیروس دالوند^۳

عضو هیئت علمی گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، تهران
amirbagherzadegan@pnu.ac.ir: آدرس ایمیل

کارشناس ارشد روابط بین الملل از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، تهران
دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، پردیس بین‌الملل ارس دانشگاه تهران، ایران، جلفا
lawandlaw9193@gmail.com

چکیده

از منظر قانون مجازات اسلامی، وجود اکراه در جرم زنا موجب تشدید مجازات و ثبوت حد اعدام برای مکروه زناکار می‌شود. اکراه به زنا هم نسبت به زن و هم بنا بر نظر صحیح‌تر نسبت به مرد امکان‌پذیر است. اما مکروه ثالث را نمی‌توان به مجازات زنا به عنف محکوم کرد و در مجازات وی به‌عنوان معاون در زنا هم اختلاف است. در حقوق جزای انگلیس، قانون‌گذار در قانون جرائم جنسی مصوب ۲۰۰۳ عنوان مجرمانه «تجاوز جنسی» را فقط نسبت به کسی که به‌هیچ‌وجه رضایت به رابطه جنسی نداشته است پذیرفته است. در حقوق مصر نیز تجاوز به عنف با مجازات‌هایی چون حبس با اعمال شاقه و حتی حبس ابد و اعدام به‌موجب اصلاحات قانون مجازات در سال ۱۹۹۹ و ۲۰۱۴ مواجه گردیده است. اعمال خشونت، ناهوشیاری یا فریب قربانی در عداد اماراتی هستند که باوجود آن‌ها فقدان رضایت بزه دیده مفروض انگاشته می‌شود. در مجموع با بررسی سیستم حقوقی سه کشور به نظر می‌رسد، به‌رغم جرم انگاری تجاوز به عنف در هر سه کشور، موضع قانون‌گذار ایران که برگرفته از فقه امامیه است، نسبت به مکروه و متجاوز، قاطع‌تر و با ضمانت اجرای سنگین‌تر مواجه است.

کلیدواژه‌ها: مکروه، اکراه، زنا، تجاوز به عنف، مکروه.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۲

استناد: امیر باقر زادگان، حسن فضلی، سیروس دالوند، (۱۴۰۳). مطالعه اکراه به زنا در حقوق کیفری ایران، مصر و انگلستان، *آموزه‌های حقوق کیفری کشورهای اسلامی*، ۱ (۳)، ۱-۲۲.

doi.org/ 10.22091/dcl.2024.11089.1019

ناشر: دانشگاه قم © نویسندگان نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

یکی از گناهان کبیره، زنا است که برای حفظ نسب، پیروان همه مذاهب بر حرمت آن اتفاق نظر دارند درباره جرم زنا و کیفر آن، آیات متعددی در قرآن مجید آمده و با توجه به شرایط متفاوت تحقق آن، کیفرهای متفاوتی مانند نیز مانند قتل، رجم، تازیانه، تبعید و تراشیدن سر برای آن تعیین شده است.

اکراه در زنا، در نظام‌های جزائی با تعابیر مختلفی شناخته می‌شود. در کشور انگلستان این عبارت تحت عنوان «Rape»،^۱ فرانسه «vio»^۲ و در ایالت‌های مختلف آمریکا^۳ با تعابیر مانند «sexual battery» معرفی می‌شود. در قوانین جزائی برخی از کشورهای عربی عنوان مجرمانه «اغتصاب» بر زنا ناشی از اکراه یا فریب اطلاق شده است، در قانون عقوبات لبنان مصوب ۱۹۴۳ مواد ۵۰۳ تا ۵۰۶، مواد ۲۹۲ تا ۲۹۵ قانون عقوبات اردن مصوبات ۱۹۶۰، مواد ۴۸۶ و ۳۹۳ قانون عقوبات عراق مصوب ۱۹۸۷، قانون عقوبات مراکش مصوب ۱۹۶۲، ماده ۳۵۴ قانون عقوبات امارات مصوب ۱۹۸۷ و ماده ۳۴۴ قانون عقوبات بحرین مصوب ۱۹۷۶ این تعبیر به کار رفته است (اکرمی، ۱۳۹۴: ۳۶).

به نظر اکثر فقها و مفسران، اگر اکراه به غیر حق باشد قطعاً، حرام است و اگر آنچه فرد بدان اکراه شده، از گناهان کبیره باشد اکراه نیز تبدیل به گناه کبیره خواهد شد، مانند اکراه بر قتل نفس و زنا و ... خداوند متعال در آیه ۳۳ سوره مبارکه نور می‌فرماید: «وَلَا تُكْرِهُوا فَتِيَانَكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْتُمْ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِمْ غَفُورٌ رَحِيمٌ» و کنیزکان خود را که مایلند به عفت، زنهار برای طمع مال دنیا جبراً به زنا وادار می‌کنید که هر کس آن‌ها را اکراه به زنا کند، خدا در حق آن‌ها که مجبور بودند بسیار آمرزنده و مهربان است (لیکن شما که آن‌ها را به زنا مجبور کنید به جای آنان عقاب خواهد کرد). در این آیه به صراحت از اکراه به حرام، نهی کرده است و نهی هم ظهور در حرمت دارد، نتیجه اینکه اکراه بر حرام، حرام است (علامه حلی، ۱۴۱۲: ۳۲۳).

در نظام حقوقی انگلیس تجاوز جنسی در زمره جرائم سنگین محسوب شده و در قانون جرائم جنسی مصوب نوامبر سال ۲۰۰۳ مستوجب حبس ابد شناخته شده است (۱۳: ۲۰۱۳، herring) در پژوهش حاضر، تلاش گردیده تا با روش تحلیلی و توصیفی، اکراه در زنا از منظر فقه اسلامی، حقوق جزای ایران مطالعه شود و از بعد مطالعه تطبیقی اکراه در زنا با عنوان اغتصاب در حقوق مصر و جرم تجاوز جنسی در رویکرد نظام حقوقی انگلستان مورد مطالعه و تطبیق قرار گیرد.

1. S. 1 Sexual Offences Act 2003.

2. Art. 222-23 Code Pénal 1992

3 - <https://yun.ir/lw1gba>

۱. مفهوم‌شناسی اکراه

در ادامه به بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی اکراه پرداخته می‌شود.

۱-۱. مفهوم لغوی اکراه

اکراه از ماده کره است؛ (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۸۰) اهل لغت تصریح کرده‌اند که کره (به فتح) مفهومی غیر از کره (به ضم) در بر دارد. در لسان العرب به نقل از فراء، از لغویین و نحویین بزرگ، گفته شده است: «الکره بالضم ما اکرهت نفسک علیه و بالفتح ما اکرهک غیرک علیه. تقول: جئتک کرها و ادخلتک کرها» (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۸۰)؛ کره (با ضمه)؛ آنچه نفس تو از آن کراهت دارد. کره (با فتحه)؛ آنچه دیگری تو را بر آن وادار می‌کند.

۲-۱. معنای اصطلاحی اکراه

اکراه به عنوان یک قاعده فقهی در میان فقها شهرت دارد و احکامی مانند: رفع تکلیف و مسئولیت کیفری بر آن مترتب می‌شود (محقق داماد، ۱۳۹۷: ۱۰۷). در صورت وجود اکراه، اختیار از فرد سلب شده و چون فرد اختیار ندارد، به موجب ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مسئولیت کیفری نخواهد داشت. یعنی فرد مرتکب جرم گردیده است، اما مسئولیت کیفری ندارد. اما اگر اراده فرد سلب شود و فرد اصطلاحاً مجبور شود، در این حالت از اساس نمی‌توان فعل را منتسب به فرد دانست و قانون‌گذار در ماده ۲۷۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲^۱ فرد بی‌اراده را هم‌ردیف حیوان یا وسیله قرار داده است و در این حالت فعل سرزده از فرد مجبور منتسب به فرد اجبار کننده می‌شود و در واقع اوست که مرتکب جرم محسوب می‌شود. در کنار اکراه و اجبار حالت دیگر که در قانون خودنمایی می‌کند، حالت ضرورت است که در آن فرد مضطر محسوب شده و در این حالت اگر فرد مرتکب جرمی شود هیچ مسئولیتی نداشته و اضطراب از عوامل موجهه جرم محسوب می‌شود، هرچند خالی از لطف نیست که بیان گردد در حقوق مدنی مطابق ماده ۲۰۶^۲ قانون مدنی فرد مضطر صاحب اراده بوده و معامله وی معتبر تلقی می‌گردد که این نشان دهنده این است که هرچند اضطراب از عوامل موجهه جرم محسوب می‌شود، اما اراده را زایل نکرده و فعل ارتكابی منتسب به فرد می‌شود و همین باعث می‌شود فرد مضطر در حقوق کیفری از مسئولیت مدنی برخوردار باشد.

۲. مبانی فقهی قاعده اکراه

در منابع استنباط احکام چه در قرآن، چه در روایات، مستنداتی وجود دارد که منطبق آن‌ها اکراه از عوامل مانع مسئولیت

۱. «هرگاه کسی مال را توسط مجنون، طفل غیرمميز، حیوان یا هر وسیله بی اراده‌ای از حرز خارج کند مباشر محسوب می‌شود و در صورتی که مباشر طفل ممیز باشد رفتار آمر حسب مورد مشمول یکی از سرقت‌های تعزیری است.»

۲. «اگر کسی در نتیجه اضطراب اقدام به معامله کند مکره محسوب نشده و معامله اضطرابی معتبر خواهد بود.»

تلقى می‌گردد؛ در آیه ۱۰۶ سوره نحل ناظر به رفع مسئولیت از مکره خداوند می‌فرمایند:

﴿مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ﴾ (سوره نحل، آیه ۱۰۶)؛ هر که پس از ایمان آوردنش به خدا کافر شود، مگر آنکه به ناخواه وادار شود [که سخنی خلاف ایمانش بگوید] درحالی که دلش به ایمان آرام است. همان‌طور که از مضمون آیه بر می‌آید، کفر گناه بزرگ و اکبرکبائر است و اگر بر اثر اکراه باشد و مطابق خواست فرد نباشد منجر به مسئولیت و خروج از دایره ایمان نمی‌گردد. بنابراین سایر گناهان و جرائم نیز همین حکم را دارند و اگر بر اثر اکراه شخص مکره مرتکب به ظاهر گناهی شد، مسئولیتی نخواهد داشت. فقهای امامیه در بحث اکراه و مبانی و مستندات شرعی آن، روایاتی برشمرده‌اند. مشهورترین این روایات حدیث رفع است که به موجب آن، اعمالی که انجام آن‌ها مقتضی به یکی از اوصاف نه‌گانه مذکور در روایت، از جمله اکراه است، مؤاخذه و مجازاتی به دنبال نخواهد داشت. روایت مورد بحث را شیخ صدوق در کتاب خصال به این شرح ذکر کرده است که قال رسول الله ﷺ: رفع عن امتی تسعة: الخطأ والنسيان وما اكرهوا عليه وما لا يعلمون وما لا يطيقون وما اضطروا اليه والحسد والطيرة والتفكر في الوسوسة في الخلق ما لم ينطق بشفتة.

مطابق این روایت حضرت رسول ﷺ فرموده‌اند که در نه مورد امت من مشمول رفع قلم هستند که یکی از آن‌ها ارتکاب گناه در حالت اکراه است. در کلیه مواردی که در فقه اهل سنت اکراه در تصرفی حقوقی یا جزایی مؤثر تلقی شده است، حدیث مذکور به عنوان یکی از مبانی و موجهات آن مورد استناد قرار گرفته است.

۳. اقسام اکراه در فقه

اکراه را به جهات و اعتبارات مختلفی قابل تقسیم دانسته‌اند. از جمله، به اعتبار زوال یا عدم زوال رضا و تأثیری که اکراه بر آزادی اختیار فرد می‌گذارد، این عنوان ثانوی شرعی را به دو قسم منقسم دانسته‌اند:

۳-۱. اکراه ملجی یا اکراه تام

این قسم اکراه موجب زوال رضا و محدودیت اختیار و آزادی اراده شده، در آن خوف تلف نفس یا عضو وجود دارد. به بیان دیگر، شخص به تلف نفس یا قطع و یا نقص عضو تهدید می‌شود. تهدید به ایراد ضرب منتهی به مرگ یا حبس به مدت طولانی نیز موجب بروز اکراه ملجی می‌شود (محقق داماد، ۱۳۹۷: ۱۱۷).

۳-۲. اکراه ناقص یا اکراه غیرملجی

اکراه ناقص یا اکراه غیرملجی که تنها سبب زوال رضا شده و محدودیتی در اراده و آزادی انتخاب ایجاد نمی‌کند، هنگامی حاصل می‌شود که خوف تلف نفس یا قطع عضو یا ایراد ضرب منتهی به مرگ یا حبس درازمدت وجود نداشته باشد؛ بلکه تنها خوف ایراد ضرب خفیف یا حبس کوتاه‌مدت علیه مکره مطرح است. بنابراین، در اکراه ناقص موضوع

تهدید، نه تلف نفس یا قطع عضو، بلکه ایراد ضرب خفیف یا حبس کوتاه‌مدت است؛ به‌گونه‌ای که عادتاً منجر به فوت نشود. اکراه ناقص هیچ‌گونه الجاء و اضطراری در بر ندارد و اصولاً شخص در موقع اضطرار و ناچاری قرار نمی‌گیرد. به همین جهت، به اکراه غیر ملجی تعبیر شده است (محقق داماد، ۱۳۹۷: ۱۱۸). به نظر می‌رسد مراد قانون‌گذار از اکراه در ماده ۱۵۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قسم اول اکراه یعنی اکراه تام یا ملجی باشد که در آن فرد اختیار خود را از دست می‌دهد، چراکه به‌موجب ماده ۱۴۰ قانون مذکور اختیار شرط مسئولیت است و در صورت فقدان آن مسئولیت کیفری وجود نخواهد داشت.

۳-۳. اکراه همراه با غضب در فقه امامیه

غضب در لغت، یعنی گرفتن چیزی به ناحق (قرشی، ۱۴۱۲: ۱۰۲) و گرفتن چیزی به ظلم (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶۴۸)، همان‌طور که خداوند در قرآن، در آیه ۷۹ سوره کهف می‌فرماید: «وَكَانَ وِرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِيَةٍ غَضَبًا» در پس آن‌ها شاهی بود که هر کشتی را به ناحق می‌گرفت. غضب در شرع یعنی بر حق دیگری استیلا پیدا کردن به غیر حق است (سعدی ابوجیب، ۱۴۰۸: ۲۷۵) که قانون‌گذار در ماده ۳۰۷ قانون مدنی نیز در مقام تعریف غضب بیان می‌دارد «استیلا بر حق غیر به نحو عدوان» غضب است. پس غضب در اصطلاح نیز همان معنای لغوی را دارد یعنی چیزی را با قهر و غلبه اخذ کردن.

در روایتی از امام باقر علیه السلام وارد شده است: «عَنْ رَجُلٍ اغْتَصَبَ امْرَأَةً فَجَاحَا قَالَتْ يَقْتُلُ مُحَصَّنًا كَانَ أَوْ غَيْرَ مُحَصَّنٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۸۹)، امام باقر علیه السلام درباره مردی که با غضب زنی را وادار به زنا کرده و از او کام گرفته است فرمود: او را می‌کشند چه محصن باشد چه غیر محصن. در روایتی دیگری از زراره یکی بر امام باقر یا امام صادق علیه السلام وارد شده است: «فِي رَجُلٍ غَضَبَ امْرَأَةً مُسْلِمَةً نَفْسَهَا قَالَتْ يَقْتُلُ»، زراره گوید: امام باقر یا امام صادق علیه السلام درباره مردی که به زور با زنی مسلمان زنا کرده است، فرمود: آن مرد کشته می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۸۹). این روایات بیانگر آن هستند که اگر مردی با زور و قهر غلبه بر فرج زنی تسلط پیدا کند مجازات او قتل است. اکثر فقها نیز به همین روایات عمل کرده‌اند و مجازات چنین فردی را قتل می‌دانند (حلی، ۱۴۱۲: ۲۸۶).

۴. مفهوم‌شناسی زنا

شهید اول در کتاب لمعه دمشقیه زنا را چنین معرفی کرده است: «مرد عاقل و بالغ از روی علم و اختیار به اندازه حشفه آلت تناسلی خود را به فرج زنی که بر او حرام است وارد نماید، بدون آنکه عقد نکاح و یا ملکیت و وطی به شبهه در میان باشد» (مکی عاملی، ۱۹۹۳: ۳۹۳). علامه حلی زنا را به دخول به اندازه حشفه در فرج زنی که بر مرد حرام است و سبب حلیت و شبهه‌ای وجود ندارد تعبیر کرده است و این چنین بیان داشته است: «إيلاج ذكر الإنسان حتى تغيب الحشفة في

فرج امرأة محرّمة، من غير سبب مبيح ولا شبهة» (علامه حلی، ۱۴۱۰: ۱۷۰)؛ یا حضرت امام تحقق زنا را به مانند دو فقیه قبلی به دخول با شرایط مذکور توسط فقهای قبلی می دانند. «یتحقق الزنا الموجب للحد بادخال الانسان ذكره الأصلي فی فرج امرأة محرمة علیه أصالة من غير عقد نكاح دائماً أو منقطعاً ولا ملک من الفاعل للقابله ولا تحليل ولا شبهة مع شرائط یأتی بیانها» (امام خمینی، ۱۴۰۳: ۴۵۵).

ارتکاب عمل زنا از نظر قرآن گناه بزرگی است که خداوند در سوره اسراء، آیه ۳۲ می فرماید: ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ نزدیک زنا نشوید، چراکه عمل بسیار زشتی است و راه و روش بدی است. در ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم زنا چنین تعریف شده است. «زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد. تبصره ۱- جماع با دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه گاه در قُبُل یا دبر زن محقق می شود.

۴-۱. حکم زنا با اکراه

اگر زنا با اکراه باشد حد آن قتل است. آیت الله خوئی می فرماید: «اذا أكره شخص امرأة على الزنا فزني بها قُتِل (خوئی، ۱۴۱۰: ۲۳۵)؛ یعنی زمانی که شخصی زنی را اکراه به زنا کند و سپس با او زنا کند به قتل می رسد و مرحوم امام این گونه فرموده اند: «و كذا يقتل من زني بامرأة مكرها لها» یعنی «و همچنین است و به قتل می رسد کسی که زنا کند با زنی که او را اکراه به این امر نموده است» (امام خمینی، ۱۴۰۳: ۴۶۳).

۴-۲. احکام اکراه در زنا

عمده بحث اکراه در زنا که مورد مناقشه فقهای عظام در کتاب فقهی نیز قرار گرفته تصور امکان یا عدم امکان تحقق آن، برای زانی یا زانیه است که هر یک به صورت جداگانه بررسی می گردد.

۴-۲-۱. اکراه زانیه

کیفیت عمل زنان به شکلی است که معمولاً در مواردی که زن، ادعای اکراه بنماید، در صورتی که شرایط مقرر در اکراه وجود داشته باشد، ادعای وی پذیرفته می شود و فقها در این خصوص اتفاق نظر دارند. روایت هایی نیز که از ائمه معصومین علیهم السلام نقل گردیده است. نیز مؤید این نظر است. در روایتی از امام محمدباقر علیه السلام آمده است مردی را نزد حضرت علیه السلام آوردند که با زنی جماع کرده بود و زن ادعا می کرد که مرد او را مجبور به زنا کرده است حضرت حد را بر زن جاری نساخت، امام صادق علیه السلام نیز در مورد زنی که اقرار به زنا می کند، اما ادعای اکراه دارد فرمودند، این زن مانند سائبه (رها شده) است که اراده ای از خود ندارد، پس اگر مرد می خواست او را می کشت، بر این زن تازیانه و سنگسار نیست (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۳۸۲).

چنانچه زانی، زانیه را مجبور به ارتکاب زنا نماید با فرض تحقق شرایط اکراه، اختلاف نظری در مجازات زانی که اعدام به عنوان حد وی است و عدم مسئولیت کیفری زانیه مکره وجود نداشته و در ماده ۱۴۰ و بندت ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ صراحتاً به آن اشاره نموده است.

این نظر مطابق با اجماع فقها است که معتقدند اکراه درباره زن، محقق می‌شود و برای پرهیز از تکلیف ما لایطاق و به استناد حدیث نبوی رفع، با تحقق اکراه، اثر تحریم نسبت به مکره ساقط می‌شود.

۴-۲-۲. اکراه زانی

در خصوص مرد گفته شده است که اکراه، تحقق نمی‌یابد، چون اکراه از آمادگی جسمانی و برانگیخته شدن نیروی شهوانی جلوگیری می‌کند. در این زمینه استاد فقها، شیخ محمدحسن نجفی در جواهرالکلام نیز فرموده‌اند: اجماعاً و بدون اشکال در اکراه حد زن ساقط است، اکراه در طرف زن قطعاً امکان دارد؛ یعنی قطعاً زن ممکن است مورد اکراه قرار بگیرد که در این صورت، به دلیل رفع قلم، مجازات نمی‌شود و به هر دلیل روایات مستفیض از جمله خبری که می‌گوید: «لیس علی المستکره شیء اذا قالت» استکراه یعنی اگر زن گفت مجبور شدم، بر او مجازات نیست، آری در امکان اکراه در طرف مرد تردید است؛ زیرا فعل زنا نیاز به آمادگی جسمانی دارد که با تهدید آن آمادگی در انسان پیدا نمی‌شود، لکن کسی که می‌گوید از سوی مرد اکراه در زنا محقق نمی‌شود، گویا فکر کرده است که مکره زنا را دوست ندارد و دیگری او را به کاری که دلخواهش نیست، اکراه می‌کند و چون دلش نمی‌خواهد آمادگی جسمانی برایش پیدا نمی‌شود، البته این فرض نیز ممکن است پیش بیاید، در این فرض نیز اکراه قابل تحقق است، اساساً عدم آمادگی جسمانی شرط اکراه نیست (نجفی، ۱۳۹۰: ۴۴). شهید ثانی در شرح لمعه می‌فرماید: اگر شخصی اکراه بر زنا شد، درست است که در شرایط اکراهی مشکل نعوذ وجود دارد، اما شرط زنا ورود آلت به قدر حشفه هست که این میزان در فرض اکراه و عدم نعوذ نیز قابل تحقق است، بنابراین در صورت تحقق اکراه نسبت به زانی، امکان تحقق زنا عقلاً وجود داشته و بنا بر قول صحیح‌تر اکراه نسبت به زانی پذیرفته است (شهید ثانی، ۱۳۷۸، ۴۳۱) و می‌توان حکم به عدم مسئولیت مرد مکره زناکار داد.

۴-۳. حکم مکره به زنا

اگر مکره خود زناکار باشد که حکم آن مشخص است و مطابق آموزه‌های فقهی و بندت ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲^۱ شخص مکره اعدام خواهد شد اما مکره اگر ثالث بود، یعنی فردی غیر از زناکار در این حالت حکم قضیه

۱. «حد زنا در موارد زیر اعدام است:

الف - زنا با محارم نسبی

ب - زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است.

پ - زنای مرد غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است.

ت - زنای به عنف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است.»

با ابهام روبه‌رو است؛ چراکه مطابق قانون مجازات اسلامی نمی‌توان حکم صریحی برای فرد پیدا کرد و منبعث از آموزه‌های فقهی و قاعده تدرأ الحدود بالشبهات نمی‌توان زنا را منتسب به مک‌ره دانست و او را اعدام نمود در این شرایط حکم شخص مک‌ره محل سؤال و اشکال است، شاید بتوان با قیاس حکم مک‌ره به قتل عمدی در فرضی که مک‌ره به حبس ابد محکوم نمی‌شود برگرفته از ماده ۳۷۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲^۱ بیان داشت که در اینجا نیز مک‌ره به زنا به مجازات معاونت در زنا محکوم می‌شود، به‌ویژه اینکه این قیاس، موافق قیاس اولویت نیز است، چراکه زمانی که تهدید دیگران منجر به تحقق معاونت مطابق بند الف ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲^۲ به طریق اولی تهدید شدید که اکراه محسوب می‌شود مصداق معاونت محسوب می‌شود و زمانی که نتوان مک‌ره را به مجازات مباشر جرم محکوم نمود. اما این تفسیر همراه با اشکالاتی است، ازجمله اینکه در اکراه به قتل مک‌ره قاتل محسوب شده و به قصاص محکوم می‌شود. اما در اکراه به زنا مک‌ره مسئولیتی نداشته که بتوان برای وی معاونی تراشید و او را محکوم نمود. این اشکال با توجه به ماده ۱۲۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲^۳ پاسخ داده می‌شود که مطابق آن اگر به جهات شخصی مباشر جرم مسئولیتی نداشت، این تأثیری در حق معاون نخواهد داشت. شاید اشکال شود که اکراه که جهت شخصی نیست و لذا اگر مباشر مسئولیتی نداشت معاون او نیز مسئولیتی نخواهد داشت اما این عدم مسئولیت در فرضی متصور است که مک‌ره فردی غیر از معاون جرم باشد و الا منطقی وجود ندارد که مک‌ره به سبب اکراهی که خود خالق آن بوده از مسئولیت بگریزد، بنابراین می‌توان مک‌ره را مطابق بند الف ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^۴ و بندت ماده ۲۲۴ به حبس از ۱۰ تا ۲۵ سال محکوم نمود. در مقابل شاید بتوان ادعا نمود اکراه کننده تهدیدی شدیدتر از تهدید معاون جرم صورت داده و نمی‌توان وی را دیگر معاون جرم محسوب نمود که در این حالت دیگر با خلأ تقنینی روبه‌رو بوده و عده‌ای در اینجا مطابق اصل اباحه و برائت و قانونی بودن جرم و مجازات معتقد هستند در اینجا باید مک‌ره را رها کرد و نباید مجازاتی نسبت به وی اعمال داشت (منصورآبادی، ۱۳۹۶، ۲۶۸) برخی نیز بر این باورند چون در اینجا مجازات مرتکب بیان نگردیده است، می‌توان با استناد به ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲^۵ برای مرتکب مجازات جایگزین حبس در نظر گرفت (مزید شریف آبادی، ۱۳۹۳، ۱۷۲) چراکه رفتار مک‌ره جرم بوده اما مجازاتی برای آن بیان نگردیده است فلذا می‌توان به ماده ۶۹ قانون مذکور

۱. «مجازات حبس ابد برای اکراه کننده مشروط به وجود شرایط عمومی قصاص در اکراه کننده و حق اولیای دم می‌باشد و قابل گذشت و مصالحه است. اگر اکراه کننده به هر علت به حبس ابد محکوم نشود، به مجازات معاون در قتل محکوم می‌شود.»

۲. «اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند:

الف - هرکس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوء استفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.»

۳. «هرگاه در ارتکاب رفتار مجرمانه، مرتکب به جهتی از جهات شخصی مانند صغر و جنون، قابل تعقیب نباشد یا تعقیب یا اجرای مجازات او به جهتی از این جهات، موقوف گردد تأثیری در تعقیب و مجازات معاون جرم ندارد.»

۴. «در صورتی که در شرع مجازات دیگری برای معاون در نظر گرفته نشده باشد مجازات وی به شرح ذیل است: الف - در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا درجه ۳»

۵. «مرتکبان جرایمی که نوع یا میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.»

مراجعه نمود. عده‌ای نیز با توجه به اینکه اکراه جرمی مطلق است قائل به اعمال ماده ۶۶۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵^۱ در این خصوص هستند (مزید شریف آبادی، ۱۳۹۳، ۱۶۷-۱۶۸) و در آخر عده‌ای با توجه اصل ۱۶۷ قانون اساسی^۲ که اجازه مراجعه به فقه را داده است در اینجا تلاش دارند با توجه به آموزه‌های فقهی حکم قضیه را روشن نمایند که با مراجعه به فقه فتوای صریحی در خصوص محکومیت مکره ثالث به زنا وجود ندارد و به ناچار با توسل به قاعده التعزیر لکل امر حرام و التعزیر دون الحد تلاش می‌کنند حکم به مجازات مکره ثالث نمایند که در اینجا اشکالاتی رخ می‌نماید که کار را دشوار می‌کند، اینکه مصداق تعزیر چه باشد، شلاق یا مجازات دیگر محل اشکال است و اینکه میزان مجازات حدی که مجازات مکره از آن پایین‌تر باشد نیز محل سؤال است. یعنی در اینجا باید جرائم حدی و صد ضربه شلاق را ملاک قرار داد یا حداقل مجازات حدی مذکور در قانون یعنی ۷۵ ضربه شلاق جرم قوادی را باید به‌عنوان سقف در نظر گرفت؟ نظر به عدم وجود فتوا در فقه و عدم وجود مجازات مصرح در فقه (کلاتری و دیگران، ۱۳۹۸، ۲۶۴) و اختلاف در خصوص میزان و مصداق مجازات مکره ثالث در فقه، به نظر مراجعه به فقه امری نادرست باشد و در میان دیدگاه‌های موجود مجازات مکره ثالث بر مبنای مجازات معاون تهدید کننده دیدگاه مقرون به صواب باشد و دأب قانون‌گذار مجازات اسلامی در مجازات مکره به قتل عمدی مؤیدی بر این تلقی خواهد بود و سایر دیدگاه‌ها از اتقان لازم برخوردار نیستند، از جمله مجازات بر مبنای ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ دیدگاهی نامتوازن و غیرعادلانه است، کما اینکه دیدگاه مطلق دانستن اکراه سوای اینکه اصل اکراه مطلق نبوده با ایرادات پیش گفته در خصوص اعمال مجازات جایگزین حبس روبه‌رو است.

۵. جایگاه اکراه در قوانین موضوعه ایران

در قوانین جزایی ایران قبل از انقلاب، اجبار مادی یا معنوی که عادتاً قابل تحمل نباشد، از عوامل رافع مسئولیت کیفری معرفی شده است.^۳

قانون‌گذار در سال ۱۳۶۱، در ماده ۲۹ قانون راجع به مجازات اسلامی^۴ بدون اینکه از اکراه تعریفی ارائه دهد، آن را در کنار اجبار به‌عنوان یکی از عواملی که از فاعل رفع مسئولیت می‌کند، نام برده است. در سال ۱۳۷۰، ماده ۵۴ قانون

۱. «هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشاء سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از این که به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه یا زندان از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.»

۲. «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر عوار را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.»

۳. «هرگاه کسی، بر اثر اجبار مادی یا معنوی که عادتاً قابل تحمل نباشد مرتکب جرمی شود مجازات نخواهد شد. در این مورد، اجبارکننده، به مجازات آن جرم محکوم می‌شود.»

۴. «درجرائم قابل تعزیر، هرگاه کسی بر اثر اجبار یا اکراه که عادتاً قابل تحمل نباشد مرتکب جرمی شود مجازات نخواهد شد در این مورد اجبارکننده به مجازات آن جرم محکوم می‌شود.»

مجازات اسلامی^۱ با تغییراتی در عبارت، جانشین ماده ۲۹ قانون راجع به مجازات اسلامی شده است تا اینکه قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اکراه را پذیرفته است. در ماده ۱۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^۲ اکراه جزء عوامل رافع یا در بیان بهتر مانع مسئولیت شناخته شده است و اگر کسی در شرایط اکراهی مرتکب جرمی شود، از مسئولیت کیفری مبرا بوده و مسئولیت توجه اکراه کننده است. در ماده مذکور بیان گردیده در جرائم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوط رفتار می‌شود و زنا نیز جزء حدود الهی است، از آنجا که در باب زنا در ماده ۲۱۷^۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ وجود شرایط مسئولیت کیفری که در ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی^۴ بیان شده، شرط است و در ماده مذکور قانون‌گذار اختیار را یکی از شرایط مسئولیت کیفری می‌داند و به جز در قتل شخص غیر مختار مسئولیتی در صورت ارتکاب جرم نخواهد داشت، بنابراین شخص مکروه در صورت ارتکاب زنا مسئولیتی نخواهد داشت. در فصل مربوط به زنا در قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۲۴^۵ مجازات اکراه کننده در صورتی که خود فاعل زنا باشد، اعدام در نظر گرفته شده است. اما اگر فاعل شخصی غیر از مکروه باشد قانون در فصل زنا ساکت است، به‌رغم این سکوت در دو موضع، قانون‌گذار دایره اکراه را قدری توسعه داده و در تبصره دو ماده مذکور بیان می‌دارد: «هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا یا او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنا یا به عنف است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم او شود نیز حکم فوق جاری است.» بنابراین در چرخشی آشکار به نفع بزه دیده قانون‌گذار در حالات مختلف اکراه را محقق دانسته و به حکم ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجازات اعدام را برای مکروه در نظر گرفته است. این حمایت همان‌طور که بیان شد با رجوع به ماده ۱۴۰ و حکم به عدم مسئولیت مکروه و ضمان مهرالمثل مطابق ماده ۶۵۸^۶ قانون مذکور کامل می‌شود. در

۱. «در جرائم موضوع مجازات‌های تعزیری یا بازدارنده، هرگاه کسی بر اثر اجبار یا اکراه که عادتاً قابل تحمل نباشد مرتکب جرمی شود، مجازات نخواهد شد. در این مورد، اجبارکننده به مجازات فاعل جرم با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تأدیب از وعظ و توبیخ و تهدید و درجات تعزیر محکوم می‌شود».

۲. «هرگاه کسی بر اثر اکراه غیرقابل تحمل مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد. در جرائم موجب تعزیر، اکراه کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می‌شود. در جرائم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوط رفتار می‌شود.»

۳. «در جرائم موجب حد، مرتکب در صورتی مسؤول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسؤولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد.»

۴. «مسؤولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم «قصاص» آمده است.»

۵. «حد زنا در موارد زیر اعدام است:

الف - زنا با محارم نسبی

ب - زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است.

پ - زنا یا مرد غیرمسلمان یا زن مسلمان که موجب اعدام زانی است.

ت - زنا یا به عنف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است.

تبصره ۱ - مجازات زانیه در بندهای (ب) و (پ) حسب مورد، تابع سایر احکام مربوط به زنا است.

تبصره ۲ - هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا یا او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنا یا به عنف است. در زنا از طریق اغفال و فریب

دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است.»

۶. «هرگاه ازاله بکارت غیرهمسر با مقاربت یا به هر وسیله دیگری و بدون رضایت صورت گرفته باشد موجب ضمان مهرالمثل است.»

ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^۱ هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم نماید، در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود، ادعای مذکور بدون نیاز به بینة و سوگند پذیرفته می‌شود. بنابراین اگر دختری که توسط مرد یا مردانی مورد تجاوز قرار گرفته است، ادعا کند که رضایت به این امر نداشته است و برخلاف خواستش یک مرتبه یا حتی چندین مرتبه در شرایط خاص مثلاً در یک قلعه یا کارخانه خانم را با لطایف الحیل مورد تعدی قرار داده و به او تجاوز کرده‌اند یا در بدو امر خانم را ربوده و به قلعه منتقل نموده‌اند و بعد زنای به عنف صورت گرفته است، ادعای عدم رضایت پذیرفته می‌شود و خانم متهم به زنا نخواهد شد و حتی به نظر اتهام زنای به عنف متوجه فریبکاران یا آدم‌ربایان است. پرواضح است این جهات اثباتی در مواردی کاربرد دارد که پرونده از جهاتی موافق ادعای خانم باشد، به عنوان مثال فیلم دوربین مدار بسته نشان دهد که خانم می‌خواهد فرار کند و افراد جلوی وی را گرفته و او را وارد محل تجاوز می‌نمایند. اگر در این موارد که عموماً مرتکبین اقرار به جرم نمی‌کنند و از طرفی شاهی وجود ندارد و اصل تجاوز با گاهی پزشکی قانونی اثبات شده است، جانب خانم را ننگرفته و بار اثبات را بر دوش او نهیم، کسر قابل توجهی از تجاوزها اثبات نمی‌شوند و این مستمسکی برای مرتکبین می‌شود تا از محاکمه و محکومیت فرار کنند. البته در اینجا باید حتماً به قرائن و امارات توجه داشت اینکه اصل تجاوز به‌ویژه همراه با آثار آزار اثبات گردد یا اینکه مرتکبین اقدام به گرفتن فیلم از خانم نمایند در جهت تهدیدات بعدی یا اینکه جرائم قبل از تجاوز مثلاً آدم‌ربایی اثبات گردد، قرائن محکمی دال بر توجه اتهام به مرتکبین دارد. رویه قضایی نیز موافق همین معنا عمل می‌کند و زمانی که در شرایط مذکور یا مشابه آن اتهام تجاوز به عنف متوجه فرد یا افرادی می‌گردد، به صرف قاعده در اکتفا نشده و نظر به وجود شاکی و سنگینی اتهام تحقیقات لازم صورت می‌گیرد و زمانی که قاضی به علم می‌رسد مبتنی بر علم خود حکم محکومیت را صادر می‌گرداند. در متون فقهی و حقوق اسلامی، نقش اکراه در رفع مسئولیت به عنوان قاعده‌ای مسلم محسوب گردیده و شخصی که وادار به ارتکاب جرم یا معصیت گردیده جز در موارد استثناء مثل قتل عمد فاقد مسئولیت بوده و مورد مواخذه و بازخواست قرار نمی‌گیرد. به طوری که بندت ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، زنای به عنف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است را بیان نموده است و ظاهر این جمله مفید این معناست که مجازات متوجه زانی است و چون در هیچ جا اشاره‌ای به مجازات زانیة نشده و در فقه نیز این فرد که تحت اکراه تن به زنا داده است مجازاتی ندارد، بنابراین زن هیچ مسئولیتی نخواهد داشت، کما اینکه ماده ۲۱۷ قانون مذکور شرایط مسئولیت کیفری را نیز در مرتکب شرط دانسته بود و خانم چون اختیار ندارد، مسئولیتی نیز نخواهد داشت.

۱. «در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعاء کند که اقرار او با تهدید و ارعاب یا شکنجه گرفته شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بینة و سوگند پذیرفته می‌شود.»

صرف فقدان رضایت جهت تحقق جرم کفایت نموده و نشان دادن اعمال زور یا تهدید از ناحیه مرتکب (Wilson, 2011: 320) و همچنین نشان دادن مقاومتی کنشگرانه از سوی زن و حتی اظهار نارضایتی از سوی زن و حتی اظهار نارضایتی از سوی وی ضرورتی ندارد، تمییز رضایت، هرچند ناشی از اکراه باشد و تسلیم زن از موضوعاتی است که با توجه به حقایق پرونده توسط هیئت منصفه تصمیم‌گیری می‌شود (Jefferson, 2013: 534). و این فقدان رضایت با به‌کارگیری برخی از فرض‌ها قابل استنتاج است (Wilson, 2011: 320) فروض قانونی مزبور مشتمل بر دو دسته‌اند: فرض‌های موضوع ماده (۷۵) که قابل رد بوده و با اقامه دلیل می‌توان خلاف آن‌ها را ثابت نمود،^۲ اما فرض‌های موضوع ماده (۷۶) امارات قطعی و غیر قابل رد هستند.^۳

طبق ماده (۷۵) قانون جرائم جنسی چنانچه ثابت شود متهم رفتار مرتبیطی^۴ را انجام داده و یکی از شرایط زیر که بر آن آگاهی داشته است، موجود بوده‌اند، فرض خواهد شد که نه شاکی به انجام آن رفتار رضایت داشته و نه متهم بر این باور معقول بوده که او به آن رضایت دارد، مادام که دلیل کافی برخلاف آن اقامه نشود. این شرایط عبارت‌اند از اول، اعمال خشونت از سوی مرتکب مقارن یا بلافاصله پیش از شروع به آن رفتار وجود داشته و یا ایجاد ترس شده در شاکی مبنی بر آنکه یک خشونت فوری انتظار او را می‌کشد. دوم، آنکه مرتکب یا مرتکبان هم‌زمان یا بلافاصله قبل از آغاز به آن رفتار، سبب ترس شاکی از وقوع خشونت و یا اعمال خشونت فوری نسبت به شخص ثالثی شوند. سوم اینکه برخلاف قانون در زمان ارتکاب رفتار شاکی محصور شده و متهم آزاد باشد. چهارم، اینکه شاکی در زمان ارتکاب رفتار در خواب یا حالت

شهبانی، او و نیز وارد کردن شخص، ثالث به فعالیت جنسی، به طور عامدانه می باشد.

دیگری از ناهوشیاری باشد. شرط پنجم، آنکه شاکی به جهت ناتوانی جسمی خویش در زمان ارتکاب رفتار نتواند در مورد رضایت خویش با شاکی گفتگو نماید و نهایتاً مورد ششم آن است که شخص، زمینه استفاده یا خوردن ماده‌ای از سوی شاکی و برخلاف رضایت او را فراهم نماید، در شرایطی که استفاده از آن ماده موجب گیجی یا مغلوب شدن شاکی در زمان ارتکاب رفتار شود (اکرمی، ۱۳۹۴: ۵۳).

مطابق ماده ۷۶ قانون مذکور اگر در جریان رسیدگی ثابت شود، متهم اقدام مرتبطی را انجام داده و یکی از شرایط زیر وجود داشته است، به‌طور قاطعانه فرض می‌شود که نه شاکی به رفتار مرتبط رضایت داشته است و نه متهم بر رضایت شاکی به آن رفتار معتقد بوده است. شرایط مزبور عبارت‌اند از اینکه متهم اقدام به فریب شاکی نسبت به ماهیت یا اهداف رفتار مرتبط نماید و یا آنکه از طریق جعل هویت کسی که برای شاکی شناخته شده است، او را به رضایت دادن نسبت به رفتار مرتبط تحریک نماید. در صورت فقدان فریب یا تحریک و یا حتی عمدی نبودن آن‌ها فروض موضوع این ماده متصور نخواهد بود (Jefferson, 2013: 534). بنابراین در دو فرض شرایط به‌صورت کامل علیه متهم است و فرض رضایت به‌هیچ‌عنوان مطرح نیست.

با توجه به این نکته که در فقه اسلامی و حقوق کیفری انگلیس ضابطه تحقق تجاوز جنسی، بر فقدان اجبار و رضایت مبتنی شده است. در ادامه اوصاف مترتب بر رضایت که می‌تواند چارچوب تحقق تجاوز جنسی را مشخص سازد بررسی خواهد شد.

برخی از حقوق‌دانان انگلیسی بیان داشته‌اند رضایت می‌تواند بر شخص یا موقعیت خاص تعلق گیرد. شخص ممکن است با رابطه جنسی با یک شخص موافق بوده، ولی رضایت به برقراری این رابطه با دیگری نداشته باشد. همچنین ممکن است نسبت به رابطه جنسی با شخص در موقعیتی خاص رضایت داشته، ولی همین رابطه را در موقعیت دیگر نپذیرد (Jefferson, 2013: 534-533). بنابراین متعلق رضایت اهمیت دارد، یعنی اینکه این رضایت به چه امری و در چه شرایطی تعلق گرفته است.

قانون جرائم جنسی انگلستان نزدیکی جنسی را به‌عنوان رفتار مستمری که از لحظه دخول تا زمانی که نزدیکی به پایان می‌رسد مورد توجه قرار داده است (Herring, 2013: 178). بنابراین با انتفای رضایت زن، صرف کوتاهی مرد در خاتمه دادن به نزدیکی در حال انجام، موجب تحقق زنای به اکراه خواهد بود (Wilson, 2011: 320). این تصمیم مورد انتقاد برخی از حقوق‌دانان انگلیسی قرار گرفته است، ایشان معتقدند به‌رغم مجرم بودن چنین فردی، اتهام تجاوز جنسی برای وی مناسب نیست، زیرا در فرضی که زن در ابتدا به چنین فردی اذن داده است، اتهام تجاوز جنسی برای وی مناسب نیست. زیرا در فرضی که زن در ابتدا به نزدیکی رضایت می‌دهد، میزان ناراحتی روانی وی همانند زنانی که اساساً رضایتی به این کار نداشته‌اند، نیست، لذا باید عنوان تجاوز جنسی محدود به مواردی شود که زن هرگز به نزدیکی جنسی رضایت

نداده باشد (Clarkson, 1987: 129) و شامل مواردی که زن ابتدا اذن به نزدیکی داده است نشود. در مورد سن باید گفت همه کشورهای اروپایی دارای یک محدودیت حداقلی سن برای روابط جنسی می‌باشند، به‌گونه‌ای که رابطه جنسی با افراد زیر سن مزبور جرم تلقی شده است، سنی که از آن به‌عنوان سن رضایت تعبیر شده و هرگز زیر دوازده سال نیست (Graupner, 2000: 151) و به نظر می‌رسد ۱۶ سالگی سن معتبر برای رضایت جنسی محسوب می‌شود (هرینگ، ۱۳۹۹: ۱۴) در این حالات دیگر دادگاه قابلیت شخصی فرد جهت ابراز رضایت آگاهانه مورد توجه نبوده و ملاک سنی مورد پذیرش است (Graupner, 2000: 115). در سال ۲۰۰۳ وفق قانون جرائم جنسی، نزدیکی با شخص زیر سیزده سال به‌طور مطلق مستوجب حبس ابد دانسته شد.^۱ فقدان رضایت در نزدیکی جنسی با کودکان زیر سیزده سال جزء عناصر تشکیل دهنده رکن مادی تلقی نشده و مجرد سوءنیت عام مرتکب مبنی بر قصد دخول کفایت می‌کند و باور وی در رسیدن سن طرف به سیزده سال تأثیری در رفع مسئولیت کیفری از او ندارد (Martin, 2014: 202). بنابراین در این نظام حقوقی حمایت بیشتری از افراد تا سن ۱۲ سال تمام نسبت به دیگر بانوان صورت گرفته است.

۲-۵. اکراه در زنا در حقوق مصر

اکراه در زنا در حقوق مصر نیز به‌عنوان یک کشور اسلامی مورد توجه قرار گرفته است و دو مستند در قانون مصر در ارتباط با تجاوز وجود دارد: ۱. قانون اساسی مصر مصوب ۲۰۱۴؛ ۲. قانون مجازات مصوب ۱۹۳۷ با اصلاحات بعدی آن. لازم به ذکر است که قانون مصر در سال ۲۰۱۴ با نگاه به موازین اسلامی بازنگری شد. قانون مصر برگرفته از قوانین فرانسه و بلژیک است که در سال ۲۰۱۴ نگاه اسلامی بدان افزوده شد. قانون مجازات ۱۹۳۷ و اصلاحات آن به متجاوزان اجازه می‌داد که با قربانیان خویش ازدواج کنند، این قانون در سال ۱۹۹۹ لغو و عمل متجاوزان جرم‌انگاری شد. در ماده ۲۹۱ قانون مجازات مصر به متجاوز برای فرار از مجازات امکان ازدواج با قربانی را می‌داد، این‌گونه متجاوز تشویق و حقوق قربانی زیر پا گذارده می‌شد. ماده ۲۹۱ قانون مجازات مصر در سال ۱۹۹۹ با فرمان شماره ۱۴ ریاست جمهوری وقت لغو گردید. مطابق ماده ۲۸۹ ربایش زن مشمول اشد مجازات و حبس با اعمال شاقه یا در موارد شدید و بحرانی حبس ابد و اعدام گردید. در سال ۲۰۱۴ با تصویب رئیس‌جمهور وقت بندهای الف و ب ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی اصلاح شد (فرمان ریاست جمهوری، ۲۰۱۴، الجریده الراسمیه، شماره ۵۰، دفتر استاندارد) در نسخه اصلی در ماده ۳۰۶ دفتر استاندارد بند (الف) بیان گردیده است که افرادی که دست به هر نوع رفتار ناپسند جنسی اعم از اعمال فیزیکی یا بیان مطالب قبیح بزنند به حداقل شش ماه مجازات حبس یا جزای نقدی ۳۰۰۰ پوند مصر برابر با ۳۳۷ دلار آمریکا محکوم می‌شوند. در صورت تکرار عمل آزار جنسی توسط همان فرد، مجازات آن به یک سال حبس و جریمه نقدی بین

1. Section 5(1) Sexual Offences Act 2003

۵۰۰۰-۱۰۰۰۰ پوند مصر افزایش می‌یابد. در بند ب ماده ۳۰۶ آزار و اذیت جنسی به قصد ارضاء جنسی لحاظ گردیده است. در صورت تمایل قربانی به این عمل شنیع مجازات حبس حداقل یک سال و جریمه نقدی بین ۱۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ پوند مصر مقرر گردیده است. همچنین در صورتی که فرد برای عمل تجاوز خویش مستمسک به اجبار شود بین دو تا پنج سال زندان و جریمه نقدی ۲۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ پوند مصر محکوم می‌شود. با وقوع جنایات جدید به جرگه جنایات در قانون حمایت از اطفال ماده ۱۲۶ سال ۲۰۰۸ جایگزین ماده ۲۹۱ منسوخ قبلی گردید (الجریده الراسمیه، ۲۰۰۸، ج ۱: ۱۳۸۷). مطابق این قانون:

«هر کس که کودکی را بخرد یا بفروشد، یا کودکی را برای فروش پیشنهاد کند، یا هر کس که کودکی را به‌عنوان برده تحویل می‌دهد یا می‌پذیرد یا منتقل می‌کند یا از کودک استثمار جنسی یا تجاری می‌کند یا از کودک در کار اجباری یا سایر اهداف غیرقانونی استثمار می‌کند، حتی اگر جرم به‌صورت فراملی انجام شده باشد مجرم تلقی می‌گردد. مجرمین با کار اجباری برای مدت حداقل پنج سال و جریمه نقدی ۵۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰ پوند مصر مجازات می‌شوند» (ماده ۲۹۱ اصلاح شده توسط قانون شماره ۱۲۹ مصوب ۲۰۰۸).

مطابق ماده ۳۰۶ قانون مجازات مصر، جرم آزار جنسی مربوط به آزار دهنده (بزهکار)، بزه دیده (زن) می‌شود و عمل تجاوز برخلاف میل قربانی دو گونه است یا به شکل عمل فیزیکی یا کلامی. در این قانون اعمال فیزیکی ایراد آسیب به تن و بدن قربانی و آزار جنسی کلامی شامل انجام حرکات و به‌کارگیری الفاظ ناپسند می‌شود که درملاء بیان می‌گردد، موجبات خجالت و ناراحتی و توهین به قربانی می‌شود (ماده ۳۰۶ قانون مجازات کشور مصر). برخی از علمای حقوق مصادیق بوسیدن اجباری و برخلاف میل قربانی، تلاش برای درآوردن لباس قربانی را در شمار جرم مشمول مجازات ماده ۳۰۶ دانسته‌اند (عادل آمر، ۲۰۱۴) در ماده ۲۶۷ قانون مجازات کشور مصر آمیزش کامل جنسی^۱ با یک زن بدون رضایت وی جرم انگاری شده است (ماده ۲۶۷ با اصلاح قانون شماره ۱۱ مصوب ۱۹۹۰). نکته مهم این قانون برخلاف میل قربانی بودن عمل است. مورد بعدی که در ماده ۲۹۰ قانون مجازات کشور مصر آمده ربودن، فریب یا زور و اجبار است این ماده بیان می‌دارد که: «کسی که شخصاً یا از طریق دیگران به حيله یا زور، زنی را بدزد، به اشد مجازات حبس با اعمال شاقه محکوم می‌گردد».

در حکم شماره ۲۸۹ مورخ ۲۴ فوریه ۱۹۵۰ دادگاه تجدیدنظر مصر، در مورد جرم تجاوز جنسی برخلاف میل قربانی بیان شده، عمل توهین‌آمیز که توأم با آسیب بر جسم قربانی و تجاوز است، تجاوز به عنف شناخته و برای آن مجازات تعیین نموده است.^۲

۱. دخول کامل

۲. دادخواست شماره ۴۱۱۳/۱۹۸۸، جلسه ۶ ژانویه ۱۹۸۸، دادگاه تجدیدنظر، اتاق کیفری، دفتر فنی، جلد ۳۹: ۷۹ (به زبان عربی).

دادگاه در این خصوص، اظهار داشت که تجاوز جنسی ممکن است^۱ در برخی از موارد با زور ترکیب شود، مانند زمانی که بزهکار از سلاح برای انجام عمل تجاوز جنسی استفاده می‌کند. برای متهم شدن به تجاوز جنسی، مجرم نیازی نیست که آثاری بر روی بدن قربانی بگذارد و صرف همین عمل جرم است (عامر، ۲۰۱۴: ۲۶).

دادگاه تجدیدنظر^۲ در تصمیمات خود الزامات مرتکبین خشونت جنسی (به عنف) علیه زنان را مورد بحث قرار داده است. قانون مجازات شرایط تشدید مجازات را پیش‌بینی نموده و در رأی شماره ۵۹۴۶ مورخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۷ دادگاه تجدیدنظر وجود دو عنصر مادی و معنوی^۳ را برای اثبات محکومیت به تجاوز به عنف ضروری دانسته شده است. دادگاه توضیح داد که عنصر مادی شامل عمل آمیزش جنسی به شکل فیزیکی است که برای اثبات رابطه جنسی کامل بین مجرم و قربانی به گزارش پزشکی قانونی مراجعه و با این گزارش امر تجاوز مسجل می‌گردد. در رأی شماره ۵۹۴۶، دادگاه اعلام کرد که مجرمانی که برای سرکوب رضایت قربانی برای برقراری رابطه جنسی کامل با وی از اجبار یا فریب استفاده کنند محکوم خواهند بود.

برای فریب در جرم تجاوز جنسی به عنف، پروفیسور احمد فتیحی سرور، حقوقدان و رئیس سابق پارلمان مصر، بیان داشته که دادگاه می‌تواند، مجرم تجاوز جنسی زمانی که از شرایط خواب، مواد مخدر، مستی یا ناتوانی ذهنی قربانی سوءاستفاده کند و برخلاف میل وی با او رابطه جنسی کامل برقرار نماید، محکوم نماید و این فرد، مجرم بوده و مستحق مجازات است. ماده ۲۹۰ ربودن زن هجده‌ساله یا بزرگ‌تر با حيله یا زور یا وسایل دیگر اعم از مستی، بیهوش ساختن و و سپس آمیزش با وی بدون رضایتش را محکوم به حبس ابد دانسته است. در رأی شماره ۲۳۷۶۵ مورخ ۱۷ ژانویه ۲۰۰۰، دادگاه تجدیدنظر حکم اعدام صادر شده توسط دادگاه را برای فردی که به جرم تجاوز جنسی در سال ۱۹۷۹ مجرم شناخته شده بود، تأیید کرد. این حکم به دنبال ربودن یک دختر خردسال که براساس امارات و قرائن موجود در پرونده، شواهد روشنی دال بر اینکه مجرم تعمداً با قصد قبلی مرتکب این عمل شده بود صادر شد و سن قربانی شرایط تشدید مجازات را ایجاد نمود.

مطابق رأی شماره ۲۸۹ مورخ ۲۴ آوریل ۱۹۵۰ برای محکومیت به تجاوز به عنف نیازی به اثبات رابطه جنسی کامل مجرم با قربانی نیست، بلکه همین که برخلاف میل قربانی، فیزیکی بدن وی را لمس نماید یا دستگاه تناسلی وی برخلاف میلش مورد لمس قرار گیرد مجرم مرتکب به تجاوز به عنف شده است. از موارد و الزامات انتساب این جرم به مجرم

۱. دادخواست شماره ۲۸۹ ۱۹۵۰، جلسه رسیدگی ۲۴ فوریه ۱۹۵۰، دادگاه تجدیدنظر، اتاق کیفری، سال قضایی ۲۰، در دایره المعارف کیفری مراد از احکام مصر (به زبان عربی).

۲. لازم به ذکر است که نظام حقوقی کشور مصر یک سیستم عرفی نیست. بنابراین احکام کیفری دادگاه تجدیدنظر به عنوان سابقه الزام آور عمل نمی‌نماید هر چند که نشان می‌دهند که رویکرد دادگاه در موارد مختلف چگونه است.

۳. دادخواست شماره ۵۹۴۶ ۱۹۸۷، جلسه رسیدگی ۱۴ ژانویه ۱۹۸۷، دادگاه تجدیدنظر، اتاق کیفری، دفتر فنی، ج ۳۸، سال قضایی ۳۸، صفحه ۹۲.

درملاء عام بودن مثل در خیابان بودن، در مکان خصوصی بودن، در اقامتگاه یا کلینیک پزشک خصوصی بودن، استفاده از وسایل نقلیه عمومی است که به انتساب جرم به مجرم موجب می‌گردد. دومین عنصر دخیل در این جرم عنصر ذهنی یا معنوی است که باید با عنصر مادی آن همراه باشد. یعنی فرد قاصد و عامد به تجاوز با فرد باشد.

تجاوز جنسی در صورت وجود شرایط مشدد موجبات مرگ و اعدام را به دنبال خواهد داشت. وفق ماده ۲۶۷ قانون مجازات مصر چنین شرایطی عبارت‌اند از:

- قرابت و خویشاوندی مرتکب با قربانی؛
- مرتکب یکی از سرپرستان قربانی بوده و مسئولیت تربیت یا مراقبت او را بر عهده داشته و بر وی اقتدار داشته باشد؛
- مرتکب به عنوان خدمتکار خانگی برای قربانی کار می‌کرده؛
- تجاوز جنسی توسط دو یا چند نفر انجام شده باشد (بند ۲ ماده ۲۶۷ قانون مجازات کشور مصر با اصلاح مصوب ۱۹۹۰)؛
- مورد بعدی تشدید مجازات ربایش است، یعنی ربودن فرد و بعد تجاوز به وی (م ۲۸۹ قانون مجازات کشور مصر)
- همچنین مطابق ماده ۲۶۹ قانون مجازات حبس با اعمال شاقه از سه تا پانزده سال برای تجاوز به عنف در شرایطی که کودک یا نوجوان کمتر از ۱۸ سال توسط یکی از بستگان او یا صاحبان اختیار وی یا خادمان خانه مورد تجاوز قرار گیرد و در پی آن مرگ قربانی محقق شود، پیش‌بینی شده است.

نتیجه‌گیری

اکراه به زنا منجر به تغییر بار مسئولیت کیفری خواهد شد و شخص مکروه دیگر مسئولیتی نخواهد داشت، اما شخص مکروه دو حالت دارد یا خود این فرد زناکار است که در این صورت مطابق بندت ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات عمل وی تجاوز به عنف محسوب می‌شود و مجازات وی اعدام است. اما در صورتی که اکراه کننده شخصی غیر از مرتکب جرم باشد در این صورت نظر به عدم تصریح مجازات این فرد در قانون و فقه امامیه نوع واکنش نسبت به عمل او محل اختلاف است و دیدگاه‌های مختلفی در این خصوص از تبرئه تا اعمال شدیدترین مجازات‌ها وجود دارد که به نظر می‌رسد دیدگاه متعادل و کاربردی در این خصوص اعمال مجازات معاونت در زنا به عنف است و عدم مجازات مرتکب تأثیری در مجازات مکروه نخواهد داشت و باید او را معاون در زنا به عنف و نه زنا ساده دانست، چراکه این جرم با عنف صورت گرفته و شایسته است عامل عنف بهای وصف تشدید کننده مجازات را بپردازد و به مطابق بند الف ماده ۱۲۷ مجازات شود

و به حبس بین ۱۵ تا ۲۵ سال محکوم گردد نه شلاق از ۳۱ تا ۷۴ ضربه مطابق بنده پ ماده مذکور. از طرفی مکره نیز به مانند مضطر و شخص مجبور مسئولیتی نداشته و اگر فرد ادعای عنف کند و این ادعا مطابق قرائن باشد از وی پذیرفته می‌شود. اکراه همان‌طور که بیان گردید باید تام یا ملجی باشد و اگر در حد یک تهدید باشد به‌عنوان یک عذر پذیرفته نیست و مرتکب باید مجازات عمل ارتكابی را متحمل شود. حالات مذکور عموماً منطبق با فقه امامیه و دیدگاه مشهور فقها است اما اکراه به‌رغم بار فقهی آن مفهومی پذیرفته شده در نظام‌ها و سیستم‌های مختلف حقوقی است و در خصوص آن و جایگاهی که برای آن در سایر نظام‌های حقوقی متصور هست، نکات ذیل قابل توجه است:

۱. معنای اصطلاحی اکراه از معنای لغوی آن چندان فاصله نگرفته است و از سوی دیگر چون فقها و اصولیین در خصوص تعریف اکراه اختلاف نظر درخور توجهی ندارند، تعاریف آنان صرف‌نظر از ادخال و اخراج پاره‌ای قیود تقریباً یکی است و همین وحدت نظر به قلمرو قانون نیز سرایت کرده و به غیر از موارد اندک وحدت نظر و حکم بین حالات مختلف تحقق اکراه به چشم می‌خورد.

۲. در متون فقهی و حقوق اسلامی، نقش اکراه در رفع مسئولیت به‌عنوان قاعده‌ای مسلم محسوب گردیده و شخصی که وادار به ارتکاب جرم یا معصیت گردیده (جز در موارد استثنا مثل قتل عمد) فاقد مسئولیت بوده و مورد مؤاخذة و بازخواست قرار نمی‌گیرد و مسئولیت کیفری ندارد که این امر به‌صراحت در ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پذیرفته شده است و برخی از اکراه تحت عنوان قاعده اکراه یاد می‌نمایند.

۳. در حال حاضر به نظر به پیروی از نظر برخی از فقها تحقق اکراه به زنا از سوی زانی و زانیه مورد پذیرش قرار گرفته است، اطلاق تبصره یک ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی متضمن همین نظر است و به تبع آن به لحاظ فقدان یکی از ارکان مسئولیت کیفری، یعنی اختیار و آزادی عمل فاعل، مجازاتی بر مکره تحمیل نمی‌شود.

۴. در حقوق مصر برای برخی مصادیق زنا به اکراه حبس و جزای نقدی در نظر گرفته شده است، اما برای ربودن بانوان و تجاوز به آن‌ها حبس ابد در نظر گرفته شده است.

۵. در حقوق جزای انگلیس، قانون جرائم جنسی مصوب ۲۰۰۳ عنوان مجرمانه «تجاوز جنسی» نسبت به کسانی به رسمیت شناخته شده است که به اختیار خود آن را نپذیرفته باشد، درحالی که در شرایط عادی واجد آزادی و قابلیت چنین گزینشی بوده باشد. اعمال خشونت، ناهشیاری یا فریب قربانی در عداد اماراتی هستند که باوجود آن‌ها فقدان رضایت بزه دیده مفروض انگاشته می‌شود.

۶. حکم زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود برابر تبصره ۲ ماده ۲۲۴ اعدام است. درحالی که در قانون جرائم جنسی مصوب سال ۲۰۰۳

۱ انگلیس، تجاوز به کودک زیر ۱۳ سال، در صورت محکومیت به کیفر خواست، متضمن حبس ابد است و البته در حقوق مصر حداقل مصداقی وجود دارد که در آن ربودن و تجاوز به یک دختر خردسال منجر به صدور حکم اعدام برای مرتکب شده است.

فهرست منابع

- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ هـ.ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ ۷ جلد ۴۳ و ۴۱.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۷)، *قواعد فقه (بخش جزائی)*، تهران، نشر علوم اسلامی، چاپ ۳۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چهارم،
- کاسانی، ابن مسعود (۱۴۰۶ هـ.ق)، *بدایع الصنائع فی ترتیب الشرایع*، بیروت، دارالکتب العلمیه
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۴)، *قواعد عمومی قراردادها*، ج ۱، تهران، چاپ به نشر.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲)، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ششم
- عوده، عبدالقادر (۱۴۰۵)، *التشريع الجنائي الاسلامي*، قاهره، مکتبه دار التراث، چاپ پنجم.
- عاملی (شهید اول)، شمس الدین محمد بن مکی (۱۴۱۰ هـ.ق) *المعه الدمشقیه، فی فقه الامامیه*، بیروت، دار التراث دار الاسلامیه چاپ ۱.
- عادل آمر، ۲۰۱۴.
- سعدی ابو جیب، (۱۴۰۸)، *القاموس الفقهي لغة واصطلاحاً*، دمشق: دار الفكر، دوم
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰) *مبانی تکملة المنهاج*، ج ۴۱ موسوعه: ۲۳۵
- خمینی (امام)، روح الله الموسوی (۱۴۰۳)، *تحریر الوسیله*، قم، نشر اعتماد
- حلی، جعفر بن حسن محقق اول (۱۴۰۹ هـ.ق)، *شرایع الاسلام فی الحلال والحرام*، چاپ بیروت (۴ جلدی) و نیز چاپ سنگی.
- حلی (محقق)، نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۱۲)، *النهاية ونکتهها*، اول قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲)، *وسائل شیعہ الی تحصیل الشریعہ*، با تحقیق عبدالرحیم الریانی الشیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی جلد ۱۲
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۶)، *ترمینولوژی حقوق*، تهران، گنج دانش، چاپ ۳۰
- اکرمی، روح الله (۱۳۹۴)، «عنصر عنف در زنا از منظر فقه، حقوق جزای ایران و انگلستان»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال سوم، شماره اول، زمستان
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ هـ.ق)، *لسان العرب*، بیروت، دالتراث العربی
- شهید ثانی، (۱۳۷۸)، *تحریر الروضه فی شرح لمعه الدمشقیه*، گردآوری علیرضا امینی و محمدرضا آیتی، تهران، نشر سمت.
- هرینگ، جاناناتان (۱۳۹۹)، *آسیب پذیری، کودکی و قانون*، ترجمه امیر اعتمادی، تهران، نشر میزان.

الجزیده الراسمیه، (۲۰۰۸)، مصر، جلد ۱.

کلانتری، حمیدرضا و شمس ناتری، محمدابراهیم و حاجی ده آبادی، احمد، (۱۳۹۸)، مجازات مکره ثالث در جرائم مستوجب حد، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال یازده، شماره بیست، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مزیدی شریف آبادی، علی، (۱۳۹۳)، تحلیل فقهی حقوقی اکراه و اجبار در حدود و تعزیرات، تهران، مجد.

منصورآبادی، عباس، (۱۳۹۶)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر میزان.

Reference

Wilson, William, (2011), Criminal Law: Doctrine and Theory, Edinburgh, Pearson Education Limited, 4thEd.

Padfield, Nicola, (2010), Criminal Law, Oxford, Oxford University Press, 10thEd.

Jefferson, Michael, (2013), Criminal Law, Edinburgh, Pearson Education, Limited, 11thEd

Herring, Jonathan, (2013), Criminal Law Statutes 2012–2013, London, Routledge, 1stEd.

Elliott, Catherine & Quinn, Frances, (2014), Criminal Law, England, Pearson Education Limited, 10thEd.

Clarkson, C.M.V, (1987), Understanding Criminal Law, London, Fontana Press, 3rdEd.

Allen, Michael, (2007), Criminal Law, Oxford, Oxford University Press, 9thEd

<http://almesryoon.com/>؛ <https://perma.G2WN.cc/6K5K>).